

بازخوانی نحوه انعکاس اخبار بشارات النبی
(ص) در کمال الدین و تمام النعمه صدوق
(ره) بر اساس آیات قرآنی و منابع تاریخی



فرهاد نعمتی*
عباس احمدوند**
خلیل نعمتی***

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۸
پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷

10.22034/JKSL.2023.365009.1161

چکیده:

اصل این‌که پیامبران پیشین درباره ظهور حضرت محمد پیشگویی‌هایی داشته‌اند در آیاتی از قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. مورخان و محدثان نیز خبرهایی از نوعی آگاهی و پیشگویی از بعثت حضرت در دوره‌های نزدیک به ظهور اسلام از سوی کاهنان و کشیشان ارائه داده‌اند. شیخ صدوق از عالمان به اخبار امامی در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه خبرهایی را در این موضوع از روایان امامی و غیر امامی نقل کرده است که با برخی از رویدادهای فراتاریخی همراه است.

موضوع پیش رو میان‌رشته‌ای و با تاریخ، حدیث و رجال سرکار دارد و روش ترکیبی برای بررسی اسناد و تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اهمیت گزارش‌های یادشده این پرسش پیش می‌آید که داده‌های گزارش‌شده از سوی صدوق تا چه اندازه با آیات قرآن و منابع تاریخی و روایی دیگر همگرا هستند؟ اسناد و محتوای این گزارش‌ها تا چه میزان اطمینان آور و نزدیک به واقع می‌نمایند؟ یافته‌های پژوهش تأییدکننده این مدعاست که در اصل و کلیت وجود بشارات النبی هم‌خوان با آیات قرآنی و منابع تاریخی است و داستان‌های فرعی و برخی از مطالب فرا تاریخی اخبار، چندان با واقعیت و روایت‌های تاریخی سازگار نیست.

واژگان کلیدی: اخبار بشارت، بعثت پیامبر ﷺ، کمال‌الدین و تمام النعمه، آیات قرآنی، منابع تاریخی.
بن اسحاق (د. ۱۵۱ هـ) مورخ مشهور و دیگران وجود دارند. انعکاس چنین اخباری در یک

*دکترای مدرسی معارف اسلامی. دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایران.
fzm56@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ایران.
a_ahmadvand@sbu.ac.ir

*** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب. تهران. ایران.
Nemati.khalil@wtiau.ac.ir

منبع شیعی که به مباحث مهدویت اختصاص دارد برای تشبیه حال حضرت حجت علیه السلام به وضعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود. این پژوهش با اشاره به برخی از آیات قرآنی، درصدد است تا اخبار گزارش‌های کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه را مورد بازخوانی قرار دهد تا اسناد و محتوای آنها مورد بررسی قرار گیرند و هم‌خوانی و ناهم‌خوانی و به‌نوعی تفاوتها و تشابهات آن با منابع متقدم تاریخی روشن شود.

پیشینه پژوهش

بحث از بشارت النبی مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفت. مقاله‌های با عنوان «بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» نوشته محمدکاظم شاکر به ارائه تصویری روشن از شناخت اهل کتاب از پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصاف آن حضرت بر اساس سنت شفاهی و مکتوب آنان و آیات قرآن پرداخت. سید محمدصادق حسینی در مقاله «بررسی تطبیقی الگوی تاریخ‌نگاری قرآن کریم و منابع تاریخی منتخب (مغازی واقدی، طبقات ابن سعد، سیره ابن هشام و تاریخ طبری) در نحوه انعکاس آگاهی پیشین یهود از صفات پیامبر صلی الله علیه و آله» به بررسی چگونگی بازتاب گزارش‌های مربوط به آگاهی پیشین یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. مقاله «قرآن کریم و بشارت‌های پیامبران» نوشته عبدالرحیم سلیمانی و کتاب «بشارت‌های پیامبران گذشته به ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله» نوشته محمدعلی شهریارى فرد در این زمینه است که هرکدام به‌نوعی بشارت ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین کتاب «نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله» نوشته رمضان محمدی به بررسی برخی گزارش‌های منابع تاریخی پرداخته اما به‌صورت مفصل و مستقل به ارزیابی اخبار صدوق ورود نشده است. در این پژوهش ضمن نگاهی به آیات قرآنی در این زمینه، اخبار موجود در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق مورد بازخوانی قرار خواهد داد.

نگاهی به بشارات ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله در آیات قرآن

در قرآن آیات متعددی درباره بشارت برخی پیامبران گذشته به بعثت پیامبر اسلام اشاره دارند. در آیه‌ای بشارت حضرت عیسی به آمدن فرستاده‌ای پس از خود، یاد شده که نامش «احمد» است: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ النُّورِ وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (صف: ۶). طبق این آیه حضرت عیسی به ظهور رسول



خدا ﷻ به بنی اسرائیل بشارت داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۲۵۳-۲۵۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۵۲۸)

برخی در گزارشی مدعی پیشگویی زبیر بن باطا از دانشمندان یهودی بنی قریظه درباره ظهور پیامبر شده که وی پس از ظهور حضرت، آن را کتمان کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲۶) عرب با شنیدن این خبر از اهل کتاب و کاهنان که پیامبری به نام محمد در بینشان ظهور خواهد کرد این اسم را به طمع نبوت برای فرزندان خود انتخاب کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۳۴) گزارشی نیز از آگاهان به انجیل در برخی منابع تاریخی درباره وجود پیش‌بینی ظهور فردی به نام احمد از ذریه اسماعیل در انجیل وجود دارد. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۸۳) همچنین برخی داده‌ها بعثت آن حضرت با نام احمد در بین قریش را روایت کرده‌اند. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ، ۲: ۶۳۲)

در روایت صفوان بن یحیی وکیل امام رضا ﷺ (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۳۳۸) درباره ملاقات ابوقره با امام رضا ﷺ، بشارت عیسی ﷺ برای نبوت رسول خدا ﷺ مورد تأیید و اشاره قرار گرفت. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۰). در اخبار دیگری از امامان ﷺ نیز به بشارت عیسی ﷺ اشاره شده است. به‌عنوان نمونه در حدیثی امام صادق ﷺ (صفا [منسوب به صفا]، ۱۴۰۴: ۴۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۳) به این مسئله اشاره کردند که احمد از فرزندان اسماعیل ﷺ در پیشگویی‌های حضرت عیسی وجود دارد. در برخی منابع روایی و تاریخی اهل سنت، رسول خدا ﷺ بیان‌کننده بشارت عیسی است. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۸: ۳۹۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۵)

آیات دیگری حکایت‌گر مکتوب بودن اوصافی در کتاب‌های آسمانی پیشین یعنی تورات و انجیل است. در آیه ۱۵۷ سوره اعراف «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» به‌صراحت به این مسئله اشاره شده است؛ که تورات و انجیل به نبوت آن حضرت شهادت داده است. در آیاتی دیگر این شناخت از رسول با تشبیه به شناختن فرزندان بیان شده است و این مسئله در آیه ۱۴۶ سوره بقره «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَغْرُبُونَ كَمَا يَغْرُبُونَ أَنْبَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» آمده است. اهل کتاب آن حضرت را به خاطر بشاراتی که از کتب خود داشتند آن حضرت را مانند فرزندان خود می‌شناختند. باین‌حال گروهی از آنان با آگاهی، حق را پنهان می‌کردند. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲۶۳: ۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۲۶-۳۲۷ و ج ۷: ۴۰) در آیه ۲۰

سوره انعام نیز نزدیک به همین تعبیر آمده است.^۱ برخی بر این باورند چنین شناختی به خاطر وجود صفات آن حضرت در تورات بود. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۸) آیات دیگری نیز در این زمینه قابل طرح هستند و در مجموع بر بشارت ظهور پیامبر ﷺ و معرفت اهل کتاب نسبت به آن حضرت دلالت دارند.

برخی از آیات قرآنی نیز مانند آیه ۸۹ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» بر این نکته دلالت دارد که اهل کتاب (یهود) اخبار و اوصافی درباره آن حضرت داشتند. بر همین اساس منتظر ایشان، آرزوی بعثت و نازل شدن کتاب وی را داشته و هنگام ظهورش با شناخت آن حضرت، ایمان نیاوردند. (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۲).

بر اساس برخی منابع یهود منطقه حجاز اوصاف رسول خدا ﷺ را پیش از بعثت در اختیار داشتند. یهود بنی قریظه ذکر آن حضرت را در کتاب‌هایشان تدریس و به فرزندان خود صفت، نام و مهاجرت وی به مدینه را تعلیم می‌دادند اما پس از بعثت به خاطر چشم‌تنگی انکار کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲۶-۱۲۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۵۶-۳۵۴)

ابن اسحاق در خبری همگرا با این مسئله یادآوری کعب بن اسد به یهودیان بنی قریظه را ذکر کرد که پیامبر بودن آن حضرت برای آنان روشن‌شده همان‌طوری که او را در کتاب‌شان یافتند. (ابن هشام، بیتا، ج ۲: ۲۳۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۸۴-۵۸۵) برخی افزودند که او کسی است که عیسی به آمدنش بشارت داده و آنان وصف او را می‌شناسند. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۳۰) در برخی داده‌ها حسادت بر عرب بودن آن حضرت، دلیل عدم پذیرش از سوی کعب بن اسد یهودی عنوان‌شده است. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۰۲-۵۰۱)

اخبار بعثت پیامبر ﷺ در کمال‌الدین و تمام النعمه

محمد بن علی معروف به شیخ صدوق از محدثان امامیه در قرن چهارم هجری این کتاب را برای دفاع از غیبت امام دوازدهم امامیه، پاسخگویی و برطرف شدن شبهات مطرح‌شده به‌ویژه از سوی مخالفان نوشت. سبک و روش مباحث آن، این نوشته را در ردیف کتاب‌های کلامی- حدیثی قرار داده و با توجه به فراوانی مطالب تاریخی در آن، جای گرفتن آن در ردیف نوشته‌های تاریخی وجیه دانست. (ر.ک: صفری، ص ۱۸۹) این اثر

۱. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. (انعام: آیه ۲۰)



با یک مقدمه در چند موضوع و ۵۸ باب نوشته شد. ابواب ۲۰-۸ این اثر، اخبار بشارت ظهور پیامبر ﷺ را آورده است.

اخبار مرتبط با راهبان و مسیحیت

خبر حماد بن عبدالله از پیشگویی انجیل

صدوق خبر اول را از طریق استادش محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی در ری نقل کرد. ادامه سند عبدالعزیز بن یحیی جلودی مورخ شیعه بصری، محمد بن عطیه شامی (مهمل) عبدالله بن عمرو بن سعید بصری، هشام بن جعفر، حماد بن عبدالله بن سلیمان است. منابع رجال امامیه اطلاع چندانی درباره چهار راوی آخر به دست نداده و سند با مشکل روبرو می‌شود. محتوای روایت در مورد بشارت ظهور پیامبر ﷺ، آخرالزمان و بخش دیگر در مورد غیبت حضرت عیسی و اوصیای او هست. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۶۰)

در مقایسه محتوای خبر با آیات قرآنی و منابع به این مشابهاً می‌توان دست‌یافت. (۱) بر اساس گفته حماد این موارد در انجیل بود که پس از توصیه‌هایی از سوی خدا به عیسی ﷺ آمده پیامبر امی را تصدیق کنید. این بخش از خبر با سیاق آیه ۱۵۶ سوره اعراف «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» سازگار است. (۲) برخی شمایل آن حضرت در این خبر با منابع متقدم هم‌خوانی دارد. (به‌عنوان نمونه: ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۲۴-۳۱۴). (۳) نسل او از مبارک‌ای است نیز هم‌خوان با سوره کوثر می‌تواند باشد. (۴) وجود دو فرزند برای او که شهید می‌شوند نیز با باور به شهادت همه امامان در اعتقاد صدوق هماهنگ است. (صدوق، ۱۴۱۴: ۹۹-۹۷) (۵) کلام او قرآن و دینش اسلام نیز با آیات قرآن سازگار است. (۶) ارتباط آخر این خبر با عروج و بازگشت عیسی هنگام ظهور حضرت حجت ﷺ، کمک بر دفع دجال و نماز با آنان هم‌خوان با داده‌های روایی است. صدوق بر اساس حدیثی از پیامبر ﷺ بر این باور بود که عیسی ﷺ زمان ظهور امام دوازدهم فرود آمده و پشت سر وی نماز می‌خواند. (صدوق، ۱۴۱۴: ۹۵) در برخی روایات نیز از کشته شدن دجال به وسیله عیسی ﷺ وجود دارد. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۳۳: ۳۲۶) همچنین از نماز وی پشت سر امام صالح و کشتن دجال در برخی گزارش‌ها سخن به میان آمده است. (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۵: ۵۳۴) در روایت ابوالجارود از امام باقر ﷺ درباره آیه ۳۷ سوره انعام «إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً»، نزول عیسی ابن

۱.. در منبع دیگری حماد عن سلیمان بن عبدالله دارد. صدوق، ۱۴۰۰: ۲۷۱.

مریم از آیات آخرالزمان دانسته شد. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۹۸). (۷) کفالت مادر عیسی از سوی زکریا در این خبر با آیه ۳۷ سوره آل عمران «وَوَكَّلْنَاهَا زَكْرِيَّا» هم‌خوانی دارد.

خبر سلمان فارسی

خبری درباره اسلام سلمان از مسیر محدثان امامی نیز به این مسئله پرداخته است. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی در میانه سند حلقه اتصال به محمد بن علی بن مهزیار اهوازی از پدرش است در حالی که خود علی بن مهزیار استاد احمد اشعری بوده است. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱۳: ۲۱۴). ضمن آن‌که به صورت مرسل از امام کاظم علیه السلام نقل شد.

محتوای این خبر مفصل حاوی مطالب متعدد تاریخی و فرا تاریخی است. پیشگویی نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی راهب اسکندریه، مسافرت‌های سلمان و آشنایی وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه که پس از سال‌ها خدمت در کلیساهای مختلف اتفاق می‌افتد. سلمان در باغ زنی به نام سلیمه با مشاهده سایه انداختن ابری بر روی هفت نفر اندیشید که در بین آنان پیامبری وجود دارد. این افراد رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، ابوذر، مقداد، عقیل بن ابی‌طالب، حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه بودند. بر اساس این خبر سلمان سه علامت نبوت یعنی نخوردن صدقه، تناول از هدیه و مهر نبوت را در رسول خدا صلی الله علیه و آله دید. درخواست مالک سلمان برای آزادی او چهارصد نخل (دویست نخل زرد و دویست نخل سرخ) بود. علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله هسته‌های خرما را بعد از کاشتن آب داد و هنوز به آخر نرسیده نخل‌ها سبز شدند. حضور جبرئیل و نقش وی در تغییرات درختان نخل بعد فرا تاریخی را پررنگ می‌کند. مالک سلمان با رسیدن به خواسته خود او را آزاد کرد. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۶۶-۱۶۱).

در مورد مشابهت این گزارش می‌توان گفت در برخی منابع تاریخی به مسافرت، آشنایی سلمان با مسیحیت و خدمت وی در پیش راهبان کلیساها، بردگی گرفته شدن وی، آوردنش توسط فردی یهودی به مدینه و اقامت در این شهر و بررسی سه نشانه نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفته شده است. راهب عموریه بعثت پیامبری از فرزندان اسماعیل در سرزمین عرب را به او خبر می‌دهد. بر اساس این خبر سلمان پس از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله به‌وسیله سعد بن عباد و انصار خریداری می‌شود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۸۷-۴۸۵) برخی داده‌ها نیز از پیمان سلمان با مولای خود برای آزادی در برابر کاشت سیصد نخل و چهل اوقیه طلا سخن به میان آورده‌اند. نخل‌های داده شده از سوی اصحاب با کاشت رسول



خدا ﷺ همراه شد و همه به صورت طبیعی سبز شدند. در این گزارش از حضور جبرئیل، کاشت هسته‌ها و سبز شدن غیرطبیعی آن خبری نیست. (ابن هشام، بیتا، ج ۱: ۲۲۱-۲۱۴) علاوه بر تفاوت در عدم حضور جبرئیل در داده‌های منابع تاریخی، مطالب فرا تاریخی، و برخی موارد آن روشن نبوده و با این منابع همخوانی ندارند. ۱) شنیدن ندای مردی بر «شهادت توحید، عیسی روح‌الله و محمد حبیب‌الله». ۲) کتابی که سلمان معلق بر سقف دید روشن نیست توسط چه کسی آویخته بوده و در آن به سلمان اشاره شده به نزد وصی عیسی برود و به او ایمان بیاورد؟ و این وصی چه کسی بوده است؟ ۳) بر اساس این خبر سلمان تا قبل از خواندن آن نوشته عربی نمی‌دانست و از آن روز به بعد خدا عربی را به او فهمانده است. ۴) حضور عقیل در مکه تا هنگام شهادت حضرت حمزه در جنگ احد که قابل جمع نیست از تناقضات این خبر و پذیرش آن را دشوار می‌کند. ۵) نکته قابل توجه دیگر پیوند وصایت و نبوت است که سلمان در گرفتاری‌ها به واسطه رسول خدا ﷺ و وصی او از خداوند کمک می‌خواهد. ۶) فردی که سلمان را از چاه زندانی شده نجات می‌دهد معلوم نیست. ۷) متفاوت بودن صومعه‌هایی که سلمان در آن‌ها حضور دارد که در این خبر به ترتیب اولی نامعلوم، انطاکیه و سپس اسکندریه آمده است. در منابع تاریخی او ابتدا به شام، موصل، نینوا، نصیبین و عموریه رفت. شاید بتوان گفت این یک داستان ساختگی آمیخته به گزارش‌های تاریخی موجود است که به امام کاظم علیه السلام نسبت داده شده است.

۱. اخبار سفر به شام

ملاقات بحیری با آن حضرت

یکی از اخبار مشهور در زندگانی پیش از بعثت رسول خدا ﷺ سفرهای آن حضرت به شام است که در کتاب‌های تاریخ و سیره به آن پرداخته شده است. دیدار با بحیرای راهب نمونه‌های است که در اکثر منابع تاریخی وجود دارد. این داستان دست‌مایه خاورشناسان برای تردید در مصدر وحی و رسالت پیامبر اسلام قرار گرفته است و برخی بر این اندیشه‌اند که پیامبر، معارف قرآنی را در کودکی از این راهب مسیحی فراگرفته است. (به صورت مفصل رجوع شود به: مامورزاده و روشن ضمیر، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۲۵) صدوق به شناخت این راهب از اوصاف، نسب و اسم پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت باور و او را از منتظران ظهور آن حضرت دانست. بیشتر اخبار شیخ صدوق در این بخش از محدثان ری بوده و

تنها یک مورد از روایات محدثان امامیه در بین آن وجود دارد که از پدرش دریافت کرد. گزارش اول:

این گزارش، سفر دوران کودکی رسول خدا ﷺ به شام و ملاقات با بحیرا را روایت می‌کند. سنجش این خبر با منابع تاریخی گویای آن است که افرادی از اهل کتاب از بعثت و اوصاف رسول خدا ﷺ آگاه و اطلاعاتی را در دست داشتند. بر اساس این گزارش ابوطالب در سفر تجاری به شام، برادرزاده‌اش را با خود همراه کرد. در این سفر بحیری با مشاهده نشانه‌های نبوت در آن حضرت، خبر از پیامبری ایشان می‌دهد. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۲). این خبر از حیث سند و محتوا قابل بررسی است. صدوق این گزارش را از احمد بن حسن قطان که از او با عنوان «شیخ کبیر لأصحاب الحدیث» تعبیر کرده (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۶۷)، علی بن احمد بن محمد و محمد بن احمد شیبانی از راویان شهر ری دریافت کرد. در طبقات بعدی افرادی نظیر احمد بن یحیی بن زکریا و دیگران قرار دارند که در منابع متقدم رجالی امامیه به غیر از محمد بن اسماعیل برمکی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۱) از آنان نام برده نشده است. سند در نهایت به روایت محمد بن سائب از ابی صالح رسید که حلقه اتصال به ابن عباس از پدرش بود. محمد بن سائب کلبی اخباری و صاحب تفسیر (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۲۶۷) و استادش ابوصالح باذام موالی ام هانی بنت ابیطالب، صاحب تفسیری از ابن عباس بود. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۹۹). بنابراین از حیث سند مشکلاتی دارد. سند این گزارش در نهایت به ابوطالب می‌رسد در حالی که در منابع تاریخی افراد دیگری مثل داود بن حصین و ابوموسی راوی گزارش هستند.

قسمت‌هایی از این خبر با منابع تاریخی مشابهت و هم‌خوانی دارد. ۱) برخی مطالب نظیر سایه افکندن ابر بر سر پیامبر ﷺ، پذیرایی بحیری از کاروانیان، صحبت با پیامبر و خبر از اینکه کار او بالا خواهد گرفت در منابع تاریخی متقدم آمده و مشابهت دارد. (ابن هشام، بی‌تا: ج ۱: ۱۸۲-۱۸۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۷۹-۲۷۷). ۲) برادرزاده بودن ابوطالب، اشاره به یتیم بودن آن حضرت، دشمنی یهود با وی، سفارش به بازگرداندن به وطنش، و خبر از داشتن شأن بزرگ و نبوت وی نیز در منابع تاریخی وجود دارد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۳-۱۸۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱: ۱۲۳؛ طبری، ج ۲: ۲۷۸-۲۷۷). ۳) مغضوب بودن لات و عزی در نظر پیامبر ﷺ هنگام قسم دادن بحیرا نیز از حلقه‌های مشترک این خبر با منابع تاریخی است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱: ۱۲۳). ۴) خبر بحیرا درباره دعای ابراهیم و بشارت عیسی نیز در برخی منابع حدیثی اهل سنت از زبان آن حضرت



آمده (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۸: ۳۷۹) و در برخی منابع تاریخی نیز از بحیرا نقل شد او همان کسی است که عیسی به او بشارت داده است. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۹۷)

اما در محتوای این خبر نکاتی قابل توجه است که با منابع تاریخی متفاوت و همخوانی ندارد. ۱) طبق این گزارش این خبر در سال هشتم ولادت پیامبر ﷺ بود اما در منابع تاریخی این سفر به گفته یعقوبی و طبری در نه سالگی پیامبر ﷺ و به گفته ابن سعد در دوازده سالگی آن حضرت بود. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴؛ طبری، ج ۲: ۲۷۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷)

۲) بر اساس این خبر در گرمای هوا از ابری سخن گفته شده که بر آن حضرت سلام و بر ایشان سایه افکنده و گاهی انواع میوه‌ها را برای آنان می‌بارید؛ در حالی که در منابع تاریخی تنها سایه انداختن ابر بر سر رسول خدا ﷺ آمده است. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۱؛ طبری، ج ۲: ۲۷۷)

۳) اگرچه در برخی اخبار منابع متقدم از سجده درختان و سنگ برای آن حضرت یاد شده است (طبری، ۱۳۸، ج ۲: ۲۷۹-۲۷۷؛ ترمذی، ۴۰۷: ۵: ۱۴۱۹) اما برخی اخبار فرا تاریخی در این خبر مثل باریدن انواع میوه‌ها از ابر و... در منابع تاریخی نیامده است.

۴) اینکه راهبی به نام نسطور به دنبال مهر نبوت بود در منابع تاریخی مربوط به بحیرا است و از طرفی نسطور مربوط به مسافرت دوم هست (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳)

۵) مطالب فرا تاریخی در اخبار منابع متقدم تاریخی نسبت به این خبر کمتر است. مطالب فرا تاریخی میوه دادن درختی که زیرش فرود آمد؛ بحیری نوری در مقابل ایشان دیده که مابین آسمان و زمین را برای وی روشن میکرد، مردانی که بادزن‌های یاقوت و زبرجد در دست داشتند و او را باد میزدند و مردان دیگری انواع میوه بر او نثار می‌کردند؛ برخی پیشگویی‌ها از سوی بحیرا مانند زیاد بودن پیروانش از همه پیامبران، روشن شدن دنیا به نور وی، هلاکت بت‌ها از جمله شکستن لات و عزی و... در این خبر وجود دارد. همچنین لرزش کاخ‌های شام و برخاستن نوری از آن‌ها که بزرگ‌تر از نور آفتاب بود، جمع شدن مردم به تماشای رسول خدا ﷺ و انتشار خبر او در همه شامات و گردآمدن همه اخبار و رهبان برای دیدن ایشان از اختصاصات این خبر است. گفتنی است عبارت مقدس و پاک بودن از پلیدی‌های جاهلیت در این گزارش به نوعی در منابع امامیه آمده است. به نظر می‌رسد اصل این خبر در دست راویان بوده و موارد این‌چنینی به‌ویژه مطالب فرا تاریخی به‌مرور در اصل گزارش اضافه شده است.

گزارش دوم:

این گزارش نیز به سفر آن حضرت به شام دارد که با منابع تاریخی متفاوت است. بخش اول سند آن با اسناد خبر قبل مشترک و در نهایت به ابوطالب می‌رسد و از گریه بحیری هنگام ترک آن حضرت خبر می‌دهد. او پیامبر ﷺ را فرزند آمنه خطاب و خاطرنشان کرد که عرب او را با تیر می‌زنند. اشاره به ایمان پنهانی ابوطالب به رسول خدا ﷺ در این گزارش حاکی از رویکرد تاریخی کلامی است. رویکرد فضایی این خبر به ولادت، ایمان و یاریگری علی ﷺ نسبت به پیامبر ﷺ دارد که نام وی در آسمان «بطل هاصر» و در زمین «الشجاع الانزع» است. همچنین او سید عرب و رئیس آن است و در کتابها از اصحاب عیسی ﷺ شناخته شده‌تر هست. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۸۷). اثبات موحد بودن پیامبر ﷺ با توجه به تنفر وی از لات و عزی از بت‌های مشهور عرب در جواب بحیری راهب در این گزارشها همگرا با رویکرد تاریخی کلامی و حفظ باورهای شیعه می‌تواند باشد.

گزارش سوم:

این گزارش با اسناد امامی از خط فکری ابراهیم بن هاشم در قم منتشر شد و سند به روایت ابن ابی عمیر به ابان بن عثمان محدث کوفی رسید. گزارشی که به صورت مرفوع سفر پیامبر ﷺ با ابوطالب را روایت میکند. این گزارش به اخبار موجود در منابع تاریخی متقدم نزدیک است اما در آخر آن عبارت «هذا نبی السیف» هم‌خوان با گزارش‌های تاریخی نیست (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۸۷).

دیدار راهب بصری با آن حضرت

خبری دیگر در زمینه سفر پیامبر ﷺ به شام که به نظر مسافرت دوم و ایام جوانی آن حضرت باشد؛ از احمد بن حسن قطان، علی بن احمد و محمد بن احمد شیبانی نقل شد. آنان نیز این خبر را از احمد بن یحیی بن زکریا قطان نقل و با سند غیر امامی به یعلی نسابه رسید. بر اساس این خبر خالد بن اسید و طلیق بن سفیان بن امیه در این سفر تجاری به چشم خود دیده‌اند که هنگام سیر و سواری پیامبر ﷺ، وحوش و پرندگان چه می‌کردند. بزرگ راهبان بعد از دیدن محمد ﷺ در بازار بصری و گفتگو با ایشان؛ گفت اگر زمان او را درک کند حق شمشیر را ادا خواهد کرد. سپس به همراهان آن حضرت گفت کسی که به او ببیوندد حیاتی طولانی یابد و هر که از او روی برگرداند چنان خواهد مرد که پس از آن حیاتی نیابد، او همان است که ذبح اعظم با او است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۸۹-۱۹۰).

دیدار ابومویهب راهب با آن حضرت

شیخ صدوق خبر دیگر درباره سفر تجاری رسول خدا ﷺ را از عالمان شهر ری دریافت کرد که با اسنادی غیر امامی این سفر را با حضور عبدمناه بن کنانه و نوفل بن معاویه روایت میکرد. در این مسافرت ابومویهب راهب متوجه شد جوانی از بنی‌هاشم به نام «محمد» همراه قریش است. بر اساس این خبر او بعد از صحبت با محمد ﷺ، وی را پیامبر آخرالزمان دانست که به‌زودی مبعوث و مردم را به شهادت «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دعوت می‌کند و سفارش به پیروی از ایشان کرد. ادامه این گزارش رویکرد فضایل نگارانه و با جانشینی آن حضرت و اوصاف علیؑ ارتباط دارد که آنان او را باصفت وصی می‌شناسند همان‌طور که محمد را به صفت پیامبری می‌شناسند. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۹۱-۱۹۰).

به نظر میرسد این دو گزارش به این شیوه در این اثر صدوق آمده و سپس منابع بعدی امامیه از این کتاب آن را نقل کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵: ۲۰۱-۲۰۳) همچنین مربوط به تجارت آن حضرت برای خدیجه پیش از ازدواج با وی باشد که در برخی منابع آمده است. اگر از بحث سندی این دو گزارش عبور شود راوی آن یعلی‌النسابه و بکر بن عبدالله اشجعی از پدران‌ش است در حالی که در منابع تاریخی، ابن هشام خبر ابن اسحاق و ابن سعد از نفیسه بنت منیه گزارش این سفر را نقل کرد. (ابن هشام، بیتا، ج ۱: ۱۸۸-۱۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳)

در منابع تاریخی که به سفر دوم آن حضرت برای تجارت به خدیجه پرداخته‌اند تفاوت‌های زیادی دارد. ۱) در گزارش این منابع به سن آن حضرت (بیست پنج‌سالگی) اشاره شده که در این خبر نیامده است. ۲) در این سفر میسره غلام خدیجه همراه آن حضرت بوده که اشاره نشده است. راهب نیز نسطور بود نه ابومویهب و صحبت وی با میسره بوده است و به او اطلاع می‌دهد که وی آخرین پیامبر است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳). بنابراین می‌توان گفت این خبر با منابع تاریخی دیگر متفاوت است. ۳) در منابع تاریخی به اسامی افراد در کاروان به همراه آن حضرت اشاره‌ای نشده است. (ابن هشام، بیتا، ج ۱: ۱۸۸-۱۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۳) در این گزارش معلوم نیست عبدمناه بن کنانه چه کسی است؟ تا جایی که بررسی شد تنها در اجداد طبقات بالای عرب جاهلی چنین اسمی وجود دارد و تیره‌هایی از فرزندان‌ش به او منسوب شده‌اند (به‌عنوان نمونه نک: بلاذری، ۱۴۱۷، ج

بشارات بر اساس اخبار یهود

در خبری که توسط ابراهیم بن هاشم به نقل از ابان بن عثمان محدث مورخ امامیه کوفی به قم آمد. ابن عباس اطلاع یهودیان از زمان بعثت آن حضرت را بازگو کرده است. این گزارش مسافرت ابن حوَّاش دانشمند شامی به سوی یهود بنی قریظه نقل کرد که به خاطر ظهور پیامبری در آن زمان بود. این خبر حاوی محل بعثت آن حضرت مکه، هجرت وی مدینه، برخی اوصاف آن حضرت و گسترش سلطنت او است. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۹۸). این حدیث بدون ذکر سندی در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است (علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۹۱). درجایی دیگر از این کتاب با اختلاف کمی در ذیل آیه ۲۹ سوره فتح نیز وجود دارد که نامی از ابن حوَّاش، کعب بن اسد و غزوه بنی قریظه در آن نیست. در اینجا بیان سخن یهودیان قبل از آمدن پیامبر ﷺ برای عرب، نظیر بعثت آن حضرت در مکه، هجرت به مدینه و ویژگی‌های دیگر را آمده که وقتی پیامبر ﷺ با صفت موجود در آیه ۲۹ فتح مبعوث شد حسادت ورزیده و کافر آن شدند (علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳). در منابع تاریخی خبر واقعی بیانگر شبیه چنین گفتگوی پیامبر با کعب بن اسد در این زمینه است اما ابن خراش فردی است که به او سفارش تصدیق و پیروی آن حضرت را کرد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۱۶) خبری دیگر از واقعی همگرا با این خبر نقل شد با این تفاوت که خبری از گفتگو و یادآوری پیامبر ﷺ در آن نیست. بر اساس آن کعب بن اسد هنگام محاصره به یهودیان سخن ابن خراش را یادآور شد که پیش آنان آمده و ظهور پیامبری را در منطقه آنان خبر داد. همچنین سفارش کرد از او روی گردان نباشید و از یاران و دوستان ایشان باشید. کعب نیز به آنان پیشنهاد ایمان و پیروی از آن حضرت را داد که مورد پذیرش واقع نشد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۰۲)

۲. اخبار بستگان پیامبر ﷺ

نوع دیگر اخبار در این بخش خواب‌هایی است که برخی از بستگان پیامبر ﷺ دیده و تعبیر به بعثت آن حضرت شده است. صدوق خبری درباره خواب عبدالمطلب به روایت پسرش ابوطالب را از علی بن احمد در ری با اسناد غیر امامی دریافت کرد. بر اساس این خبر عبدالمطلب در حجر (حجر اسماعیل) خوابی دید که گویا درختی بر پشتش روئید و سرش بر آسمان رسید، شاخه‌هایش شرق و غرب را فراگرفت و نوری از آن آشکار شد که هفتاد برابر از نور خورشید بزرگ‌تر بود. همچنین عرب و عجم آن را سجده می‌کردند



و هر روز بزرگی و نورش اضافه می‌شد. گروهی از قریش که در پی قطع کردن آن بودند از سوی جوانی زیبا و پاکیزه پشتشان شکست. کاهنه قریش گفت: اگر خواب او درست باشد فرزندی از صلبش فرزندی مالک شرق و غرب شود و در میان مردم پیغمبری کند. ابوطالب بعد از بعثت پیامبر ﷺ میگفت سوگند به خدا درخت ابوالقاسم امین است. به او گفته شد چرا به او ایمان نمی‌آوری؟ به خاطر دشنام و عار (از سوی قریش) (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۴-۱۷۳).

صدوق در این بخش به اثبات ایمان ابوطالب پرداخته است و نشانگر رویکرد تاریخی کلامی است که مانند همه شیعیان ابوطالب را مؤمن می‌دانست و برای بهتر یاری کردن رسول خدا ﷺ اظهار شرک و ایمانش را مخفی میکرد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۴). او برای این کار از احادیث امامیه بهره میبرد که به امام صادق علیه السلام میرسید. بر اساس آن ابوطالب ایمانش را پوشیده می‌داشت و پس از وفات وی، خدا به رسولش وحی کرد که از مکه خارج شود و برای او یاری کنندهای نیست (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۴).

شیخ صدوق در روایتی از ابن عباس به نقل از پدرش عباس بن عبدالمطلب داستانی طولانی مربوط به زمان تولد پیامبر نقل کرده است. عباس در این روایت مدعی شده در هنگام تولد عبدالله فرزند عبدالمطلب در چهره‌اش نوری مانند نور خورشید میدرخشید. در این گزارش تعبیر خواب عباس در مورد عبدالله (خروج پرنده از بینی عبدالله و پرواز به مشرق و مغرب و برگشت بر روی کعبه و سجده قریش برای آن و سپس تبدیل آن به نوری بین آسمان و زمین و امتداد آن تا مشرق و مغرب) توسط کاهنه بنی مخزوم این بود که او فرزندی خواهد داشت که مردم مشرق زمین و مغرب پیرو او خواهند شد. عباس که پیگیر وضع عبدالله بود متوجه شد آن نور بعد از مرگ وی در میان دو دیده رسول خدا ﷺ میدرخشید. وی در ادامه از قول آمنه شنیده شدن صدایی آسمانی به هنگام سختی ولادت رسول خدا ﷺ، دیدن پرچمی از سندس بر دست‌های از یاقوت و تاییدن نوری از آن بر آسمان و نیز کاخ‌های شامات را خبر داده است. بخش دیگری از این خبر فرا تاریخی مربوط به شکافتن سینه فرزند آمنه میشود و در منابع تاریخی اهل سنت خبر شق صدر (ابن هشام، بی‌تا، ۱: ۱۶۴؛ طبری، ۲: ۱۶۰-۱۳۸۷-۱۵۹) آمده است. عباس گفته این حدیث را فراموش کرده بود تا رسول خدا ﷺ در روزی که ایمان آورد به او یادآور شد. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۶-۱۷۵)

صدوق این خبر را از علی بن احمد و در اثری دیگر آن را از احمد بن حسن قطان از

محدثان ری نقل کرد (صدوق، ۲۶۵: ۱۴۰۰-۲۶۳) که سند تقریباً یکی است با این تفاوت که سند دوم به جای «سعید بن مسلم عن قمار مولی لبنی مخزوم» عنوان «سعید بن مسلم مولی لبنی مخزوم» دارد.

بخشی از مطالب این خبر مثل مهر نبوت میان دو کتف (ابن هشام، بیتا، ج ۱: ۱۸۲) و تابش نور و دیدن قصرهای شامات به نوعی در برخی منابع تاریخی آمده و همخوانی دارد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۸۱-۸۲) علاوه بر ضعف سند و ابهامات درونی، باید توجه داشت که عباس بر اساس منابع تاریخی سه یا دو سال از پیامبر ﷺ بزرگ بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۲: ۸۱۰) و تقریباً معاصر با آن حضرت بود؛ پس چگونه تولد عبدالله را دیده و کار او را پیگیری میکرده است؟ افزون بر اینکه چرا آئینه چنین خبر مهم و فرا تاریخی را باید به یک بچه نقل کند.

۱. پادشاهان یمن

سیف بن ذی یزن از پادشاهان یمن که دو سال پس از ولادت پیامبر حبشه را فتح کرد عارف به امر رسول خدا ﷺ بود و هنگامی که عبدالمطلب به همراه هیئتی بر او وارد شد بشارت آن را داد. این خبر که با دو سند به دست صدوق رسید یک سند غیر امامی و سند دیگر نیمه امامی و هر دو به روایت ابی صالح از ابن عباس است. در این خبر که از گفتگوی خصوصی سیف و عبدالمطلب و خبر از سری حکایت دارد؛ سیف از کتاب مکنون و دانش مخزون برای عبدالمطلب با ذکر نشانههایی ظهور آن حضرت را اعلام میکند. او به خال بین دو کتف حضرت، اسم آن حضرت (محمد)، یتیمی وی و سرپرستی وی توسط جد و عمییش اشاره کرد. همچنین گوید از ما برای او انصاری قرار داده شود تا به واسطه آن دوستانش را عزت دهد و دشمنانش را ذلیل کند و با کمک آنان زمینهای نیکویی را فتح و بتها را بشکند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۶-۱۸۱). این خبر که بوی فضیلت تراشی برای انصار (اوس و خزرج یمنی) نیز دارد از سوی ابن کثیر با بخشی از سند دوم شیخ صدوق نقل شده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۲۸) همچنین با اسنادی دیگر که به زرع بن سیف بن ذی یزن میرسد در دلائل النبوه بیهقی آمده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۹-۱۴). به نظر میرسد این پیشگویی در منابع مختلف اهل سنت پذیرفته شده و مورد اشاره قرار گرفت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۴۴). یعقوبی نیز در تاریخ خود به این خبر پرداخته است (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۲).



خبر دیگر از راویان قم مربوط به سفارش تُبَع بود که خط فکری ابراهیم بن هاشم خبری از طریق استادش ابن ابی عمیر بغدادی به قم آورد و سند به ولید بن صبیح از امام صادق علیه السلام رسید. تُبَع به دو قبیله اوس و خزرج گوید تا ظهور پیامبر در جای خود باشند؛ و اگر او را درك کند برایش خدمت خواهد کرد و با او خارج می‌شود (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۷۰-۱۷۱).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری:

در بررسی گزارش‌های اخبار بشارات در کتاب مورد نظر و مقایسه آن با برخی آیات قرآن و منابع متقدم تاریخی تفاوت‌ها و تشابهاتی وجود دارد و جاهایی با آن هم‌خوانی داشته و مواردی ناسازگار است. اصل بشارات النبی از آموزه‌های قرآنی است. اخبار شیخ صدوق در این اصل که افرادی از مسیحیان و یهودیان به‌ویژه راهبان و بزرگان آنان اطلاعاتی از نام، اوصاف و مکان بعثت ظهور پیامبر اطلاع داشتند با آیات قرآن و منابع تاریخی هم‌خوانی و شباهت دارد؛ اما از نظر سند و محتوا با اخبار منابع متقدم تفاوت‌هایی نیز دارد. در بخش اسناد برخی اخبار محدثان امامیه کمتر و توافق نزدیکی با منابع متقدم دارند اما بیشتر اسناد غیر امامی و ناشناخته بوده و با اسناد منابع تاریخی تفاوت دارند. گفتنی است در اسناد این اخبار برخی مورخان و نسب‌شناسانی مانند محمد بن سائب کلبی و محمد بن اسحاق مورخ مشهور وجود دارند. در محتوا نیز اگرچه در برخی جاها با اخبار منابع متقدم هم‌خوانی دارد اما در جاهایی اصل خبر وجود داشته اما از حیث محتوا به‌ویژه در وجود مطالب فرا تاریخی با منابع متقدم هم‌خوان نیست. به‌عنوان نمونه خبر اول که مربوط به حماد بن عبدالله بود با آیاتی از قرآن و منابع تاریخی هم‌خوانی و مشابهت دارد. خبر اصل اسلام سلمان فارسی و خدمت وی در کلیساها و پیشگویی بعثت پیامبر ﷺ توسط یکی از راهبان و نحوه خرید وی با منابع تاریخی هم‌خوانی دارد، اما قسمت داستان گونه و خارق عادت آن و حضور افرادی نظیر عقیل در خبر سازگاری ندارد. در مسافرت‌های رسول خدا ﷺ به شام نیز اصل داستان ملاقات با بحیرا و مواردی نظیر تنفر آن حضرت از لات و عزی و پیشگویی بحیرا با منابع تاریخی هم‌خوانی داشته اما مطالب فرا تاریخی آن و برخی قسمت‌ها وجود ندارد. در این بخش دو گزارش مربوط به دیدار راهب بصری و ابومویهب در کتاب صدوق آمده که هم‌خوان با منابع تاریخی نیست. همچنین خبر ابان بن عثمان در مورد ملاقات با بحیرا با منابع تاریخی هم‌سان و مشابهت نزدیک دارد. در خبر مربوط به خواب بستگان و تعبیرات آن هم‌خوانی کمتر بوده و خبر مربوط به ذی یزن نیز در منابع تاریخی وجود دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ ق)، *أسد الغابة فى معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفكر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، لبنان- بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الكبرى*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، (۱۴۱۲ ق)، *الاستیعاب فى معرفة الأصحاب*، تحقیق: علی محمد الجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ ش)، *کامل الزیارات*، محقق: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفكر.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۱۸ ق)، *سنن*، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالجیل.
- ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ایباری و عبدالحفیظ شبلی، بیروت: دارالمعرفه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ ق)، *صحيح البخاري*، جمهوریة مصر العربیة: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
- برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ق)، *المحاسن*، محقق: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.
- بلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۴۱۷ هـ)، *انساب الاشراف*، بیروت: دار الفكر.
- بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ ق)، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ ق)، *الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی*، قاهره: دار الحدیث.
- حسینی، سیدمحمد صادق، (۱۳۹۷)، *بررسی تطبیقی الگوی تاریخنگاری قرآن کریم و منابع تاریخی منتخب (مغازی و اقدی، طبقات ابن سعد، سیره ابن هشام و تاریخ طبری) در نحوه انعکاس آگاهی پیشین یهود از صفات پیامبر ﷺ، تاریخ اسلام، سال نوزدهم، شماره ۷۵، ۳۶-۷۰.*
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ق)، *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم.
- سلیمانی عبدالرحیم، (۱۳۸۱)، *قرآن کریم و بشارتهای پیامبران*، هفت آسمان، شماره ۱۶، ۶۲-۴۷.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر السمرقندی المسمى بحرالعلوم*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاکر، محمدکاظم، (۱۳۸۹)، *بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم؟ ص؟*، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۷، ۱۱۱-۱۳۴.
- شهریارى فرد، محمدعلی، (۱۳۹۴ ش)، *بشارت‌های پیامبران گذشته به ظهور پیامبر اسلام ﷺ*، قم: بوستان کتاب.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق)، *اعتقادات الامامیه*، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم.
- _____، (۱۳۷۸ ق)، *عیون اخبار الرضی*، تهران: نشر جهان.
- _____، (۱۳۹۵ ق)، *کمالات‌الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- _____، (۱۴۰۰ ق)، *امالی*، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم.
- صفار، محمد بن حسن [منسوب] (۱۴۰۴ ق)، *بصائر الدرجات*، محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم:

- مڪتبه آيت الله المرعشى النجفى، چاپ دوم.
- طباطبايى، سيد محمدحسين، (۱۴۱۷ ق)، *الميزان فى تفسير القرآن*، قم: مڪتبه النشر الاسلامى، چاپ پنجم.
 - طبرانى، سليمان بن احمد، (۲۰۰۸ م)، *التفسير الكبير*، اردن: دارالكتاب الثقافى.
 - طبرى، محمد بن جرير، (۱۳۸۷ ق)، *تاريخ الأمم و الملوك*، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، چاپ دوم.
 - طوسى، محمد بن حسن، (۱۳۷۳)، *رجال*، محقق: جواد قيومى، قم: موسسه النشر الاسلامى، چاپ سوم.
 - فخر رازى، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *التفسير الكبير*، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
 - قمى، على بن ابراهيم، (۱۴۰۴ ق)، *تفسير قمى*، محقق: طيب موسى، قم: دارالكتاب، چاپ سوم.
 - ڪراچكى، محمد بن على، (۱۴۱۰ هـ)، *كنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
 - ڪلىنى، محمد بن يعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الڪافى*، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
 - مامورزاده فريجه و محمد ابراهيم روشن ضمير، (۱۳۹۷ ش)، بررسى مقاله «بحيرا» در دائره المعارف اسلام، قرآن پڙوهى خاورشناسان، ش ۲۵، ص ۱۲۵-۱۴۶.
 - مجلسى، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بيروت، داراحياء التراث العربى.
 - مفيد، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، *الفصول المختاره*، محقق: على ميرشريفى، قم: ڪنگره شيخ مفيد.
 - مقريزى، احمد بن على، (۱۴۲۰ ق)، *إمتاع الأسماع*، تحقيق: محمد عبدالحميد النمبسى، بيروت: دارالكتب العلميه .
 - نجاشى، احمد بن على، (۱۴۰۷ ق)، *رجال النجاشى*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 - واقدى، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ ق)، *المغازى*، تحقيق: مارسدن جونس، بيروت: مؤسسه اعلمى، چاپ سوم.
 - يعقوبى، احمد بن أبى يعقوب، (بتا)، *تاريخ يعقوبى*، بيروت: دار صادر.

پڙوهن ڪاهه علوم انساني و مطالعات فرهنجى
پرتال جامع علوم انساني